

بررسی رابطه فساد و رشد اقتصادی در ایران

حمیدرضا ایزدی^۱

بهنام ایزدی^۲

مهدی رئیسی وانانی^۳

چکیده

این مقاله به بررسی عامل مهم و تأثیرگذار فساد (قاچاق کالا و ارز و پولشویی ناشی از آن) و نقش آن و همچنین سایر عوامل از جمله افزایش هزینه‌های نظم و امنیت، خصوصی‌سازی و تک‌نرخ‌شدن ارز به کمک روش اقتصادسنجی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) بر اقتصاد ملی می‌پردازد. در این مقاله بعد از تخمین مدل کوتاه‌مدت و بلندمدت، ضریب تصحیح خطا (ECM) به دست آمده است. از جمله اثرات مهم فساد تأثیر منفی آن بر اشتغال و همچنین مؤثر نبودن سیاست‌های بازرگانی و اجرایی دولت است؛ این امر باعث ایجاد یک اقتصاد ضعیف و ناسالم می‌شود و به موجب آن سلامت جامعه و مصرف‌کنندگان به خطر خواهد افتاد. از طرفی عمل پولشویی تأثیرات مخربی بر کاهش درآمدهای مالیاتی، افزایش خط فقر، کاهش سطح تولیدات داخلی و اشتغال خواهد گذاشت. با توجه به نقش مهم این دو پدیده در اقتصاد هر کشور، بررسی تأثیرات پولشویی و قاچاق حائز اهمیت است. نتایج حاکی از آن است که این عوامل می‌توانند بر سرمایه‌گذاری‌های کلان و بلندمدت به خصوص در کشورهای در حال توسعه تأثیر گذاشته و می‌تواند اشتغال، تولید و به سبب آن رشد اقتصادی را کاهش دهد. بنابراین داشتن سلامت اقتصادی (اقتصاد سالم) می‌تواند به منزله عاملی مؤثر و مهم بر رفاه اقتصادی-اجتماعی، تولید و کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه باشد و بر شکوفایی اقتصاد و تولید ثروت تأثیر گذارد.

واژگان کلیدی: فساد، رشد اقتصادی، رفاه، فقر، توسعه، ARDL

طبقه‌بندی: JEL: C۲۲, I۱۸, I۳۸

۱- دانشجوی دکتری، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز؛ عضو هیأت علمی دانشگاه دریاوردی چابهار. izadi@cmu.ac.ir

۲- کارشناس ارشد، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز؛ کارشناس وظیفه‌بازرسی کل استان فارس. behnam.izady@yahoo.com

۳- کارشناس ارشد، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز. mehdi.re1985@gmail.com

۱- مقدمه

به‌طور کلی یکی از شاخصه‌های توسعه‌یافتگی، رشد اقتصادی است که این امر نیز به سالم بودن سیستم اقتصادی در آن کشور بازمی‌شود. در کشورهای توسعه‌یافته، به کارگیری سیاست‌های مناسب اقتصادی از اولویت خاصی برخوردار است؛ به گونه‌ای که وجود رشد اقتصادی مستمر و کنترل نرخ تورم از ویژگی‌های یک اقتصاد سالم محسوب می‌شود. از سوی دیگر تقویت بُعد نظارتی از سوی دستگاه‌های مربوط، روند حرکت مستقیم اقتصادی را به سوی رشد و توسعه هدایت می‌کند. در یک اقتصاد سالم رابطه‌ای مستقیم و منطقی میان تولید، تجارت، اشتغال و مهارت‌های بازاریابی وجود دارد؛ درحالی که یک اقتصاد ناسالم همواره درگیر موج‌های تصنعی ناشی از تورم، بیکاری و اشتغال کاذب است. از طرفی اقتصاد ناسالم بر رانت و ویژه‌خواری استوار است و مفاسد اقتصادی در آن روند رشد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین وجود تعامل میان اقتصاد ملی با اقتصادهای بین‌المللی و تناسب لازم قوانین بیمه و کار با رشد اقتصادی، از ویژگی‌هایی است که موجب تمایز اقتصاد سالم از اقتصادهای زیرزمینی می‌شود.

۲-۱- تعریف قاچاق

قاچاق تخلف گمرکی است شامل جابه‌جایی کالا در طول یک مرز گمرکی به روشی مخفیانه و برای فرار از نظارت گمرکی. تجارت و مبادله کالا از دیرباز در مناطق مختلف جاری و برقرار بوده است و از جمله مواردی است که در عین حال که نیت اصلی آن، صرفه اقتصادی و رسیدن به امکان اقتصادی بهتر است، در یک جابه‌جایی کالا و خدمات به مناطق و افرادی که از امکاناتی محروم هستند، در ازای پول یا کالا سرویس می‌دهد. قاچاق در حاشیه تجارت از نوع تبادل یا دریافت کالا، رفع نیازهای غیرمتعارف جامعه‌ای است که با انواع روش‌ها به خواسته خود می‌رسد. رواج مشاغل کاذب، افزایش بیکاری، گسترش پول‌شویی و ورشکستگی تولیدکنندگان و افزایش هزینه دولت، از پیامدهای گسترش قاچاق است و این امر ضربه جبران‌ناپذیری را به تولید داخلی و اقتصاد وارد می‌کند (پژوهش‌نامه اقتصادی، شماره ۲۲).

قاچاق به فراخور موضوع آن به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: قاچاق مواد مخدر، قاچاق کالا، قاچاق ارز، قاچاق انسان و قاچاق مشروبات الکلی. موردی که زیر قاچاق به شمار می‌رود:

- وارد کردن کالا به کشور یا خارج کردن آن از کشور به ترتیب غیرمجاز،
- خارج نکردن وسایل نقلیه یا کالاهایی که به‌منزله ورود موقت یا ترانزیت خارجی وارد کشور شده است،
- بیرون بردن کالای تجاری از گمرک بدون تسلیم اظهارنامه و پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض؛ خواه عمل در حین خروج از گمرک یا بعد از خروج کشف شود،
- تعویض کالای ترانزیت خارجی یا برداشتن از آن،

- اظهار کردن کالای غیرمجاز با نام کالای مجاز یا مجاز مشروط با نام دیگر،
 - اظهار کردن کالای مجاز با عنوان کالای مجاز دیگری که حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض آن کمتر است با نام دیگر و با استفاده از اسناد خلاف واقع،
 - بیرون بردن کالا از گمرک با استفاده از شمول معافیت با تسلیم اظهارنامه خلاف یا اسناد خلاف واقع،
 - اظهار خلاف راجع به کمیت و کیفیت کالای صادراتی به نحوی که باعث خروج غیرقانونی ارز از کشور شود (یاوری، ۱۳۷۸).

۲-۲- دلایل وجود قاچاق

برای پاسخ دادن به این سؤال باید عوامل به وجود آورنده انگیزه قاچاق را به شرح زیر بررسی کنیم.

۲-۲-۱- وجود تقاضا در داخل کشور

قاچاق کالای وارداتی اغلب بر مبنای وجود تقاضای عمومی در داخل کشور بسط می‌یابد. آغاز پدیده قاچاق کالای وارداتی از وجود تقاضا برای کالا در بازار شکل می‌گیرد. از جمله عوامل افزایش تقاضا، روند روبه افزایش توقعات مصرف‌کننده داخلی و عدم تنوع لازم در بازار کالاهای داخلی است. همچنین برخی مؤلفه‌های دیگر نظیر زیبایی و ابتکار در رنگ و طرح کالاها، کیفیت بالای کالاها در مقایسه با کالاهای داخلی، نیازمندی مصرف‌کننده و افزایش قدرت خرید در قیاس با حجم کالاهای موجود در بازار نیز در افزایش قاچاق مؤثرند.

۲-۲-۲- وجود تبلیغات گسترده

از میان عوامل متعدد افزایش تقاضا برای کالای قاچاق در داخل، می‌توان تبلیغات را نام برد؛ به ویژه که تبلیغات در جهان امروز یک علم و فن مستقل را تشکیل می‌دهد و روش‌های تأثیرگذاری بر مصرف‌کننده در بازرگانی به تخصص ویژه بدل شده است. از سوی دیگر گسترش و افزایش دسترسی عمومی به رسانه‌های فراملی بستر کافی را برای تبلیغات کالاهای خارجی فراهم می‌آورد. تبلیغات بازرگانی نقش مؤثری را در پدید آوردن نیاز به کالا در داخل ایفا می‌کند و در شرایط وجود تبلیغات همه‌جانبه، چنانچه به دست آوردن کالاهای مورد تقاضا با ممنوعیت‌ها یا محدودیت‌هایی روبه رو شود، نه فقط تقاضا برای آن کالا کاهش نمی‌یابد بلکه بستر مناسبی را برای قاچاق آن کالاها فراهم می‌سازد. تبلیغات خارجی در جراید داخلی و خارجی، تابلوهای تبلیغاتی در معابر، سریال‌های خارجی تلویزیونی، اینترنت و ماهواره امکان خودنمایی پیدا می‌کند.

۲-۲-۳- محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های بیش از حد

از دیگر عواملی که موجب پیدایش پدیده قاچاق کالا می‌شود قوانین و مقررات و محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها هستند. بسیاری از کالاها از نظر محتوایی و شکلی فاقد زمینه‌های ناهنجاری‌زا هستند اما مشمول ممنوعیت‌های گمرکی می‌شوند. در این حالت تقاضاهای کلان داخل با محدودیت‌های بی‌رویه روبه رو می‌شود و آنچه عملاً در بازارهای شهری دادوستد می‌شود در مراکز گمرکی ممنوع تلقی می‌شود. در این حالت نیز تقاضاهایی که می‌توان آن‌ها را از راه‌های قانونی برطرف ساخت،

به حوزه بازرگانی قاچاق ارجاع می‌شود و همین مسئله به خودی خود زمینه‌های گسترش قاچاق کالاها و وارداتی را ایجاد می‌کند.

۲-۲-۴- ناهمسانی قیمت در داخل و خارج

از جمله عواملی که قاچاق را (چه از داخل به خارج و چه از خارج به داخل) گسترش می‌دهد آن است که قیمت‌ها در بازارهای داخل و خارجی یکسان نباشند. در صورت یکسانی قیمت‌های داخل و خارج، حتی چنانچه زمینه‌های دیگر قاچاق کالا وجود داشته باشد، انگیزه‌ای برای قاچاق پدید نخواهد آمد. این عامل به ویژه در قاچاق کالای صادراتی (از داخل به خارج) اهمیت ویژه‌ای می‌یابد؛ زیرا قیمت برخی کالاها داخلی به علت تخصیص یارانه‌های دولتی به آن‌ها، در بازار داخلی به مراتب کمتر از بازارهای کشورهای همسایه است و این امر به خودی خود موجب خروج برخی از این گونه کالاها به کشورهای دیگر می‌شود.

۲-۲-۵- خلأهای اقتصادی

خلأهای اقتصادی شامل مجموعه راه‌ها و عواملی است که زمینه‌های مساعدی را برای قاچاق فراهم می‌آورد. از جمله این عوامل می‌توان به اختلاف میان نرخ ارز مبادلاتی (رسمی) و نرخ بازار آزاد ارز (غیررسمی) اشاره کرد که موجب سودآور شدن قاچاق کالا می‌شود. همچنین نظام بوروکراتیک ناکارآمد از جمله عوامل دیگری است که بازرگانی قانونی را با مجموعه معضلاتی روبه رو می‌کند و به همان میزان که انگیزه‌های بازرگانی قانونی از میان می‌رود بسترهای قاچاق کالا آماده‌تر می‌شود.

۲-۲-۶- وجود مرزهای طولانی

مرزهای طولانی آبی و خاکی با همسایگان کنترل و نظارت بر ورود و خروج کالاها را از این مرزها دشوار می‌سازد. در عین حال وجود این گونه مرزها استفاده از امکانات پیشرفته و تجهیزات مدرن را در گلوگاه‌های مرزی پرهزینه و ناممکن می‌کند. در چنین شرایطی با وجود ۸۷۵۵ کیلومتر مرز میان ایران و همسایگان، مخاطرات قاچاق کالا کاهش می‌یابد و جسارت برای قانون‌شکنی در عاملان قاچاق کالا افزایش می‌یابد.

۲-۲-۷- موارد ارتشا یا همکاری در میان برخی از عوامل نیروی انتظامی در مرزها

به دلیل پردرآمد بودن مشاغل وابسته به قاچاق کالا طبیعی است که عوامل قاچاق در سرمایه‌گذاری‌های جانبی جهت دور زدن سازوکارهای قانونی ورود کالا اقدام می‌کنند. در این میان، یکی از اهداف عمده این گونه سرمایه‌گذاری‌های پنهان، جلب همکاری یا چشم‌پوشی برخی از عوامل و بدنه سطوح پایین نیروی انتظامی در مرزهاست که به اشاعه فساد اداری - مالی خواهد انجامید و نتیجه آن سکوت یا بی‌عملی این قبیل کارگزاران در قبال پدیده قاچاق کالا است.

۸-۲-۲- همکاری برخی از عوامل گمرک با قاچاقچیان

علاوه بر نیروی انتظامی، متولی دیگر کنترل ورود و خروج کالا از طریق مرزها سازمان گمرکات است که به منزله سوژه سرمایه گذاری قاچاقچیان قابل طرح است و عوامل قاچاق به جلب همکاری ایشان نیازمند هستند.

۹-۲-۲- همکاری ناکافی ادارات و ارگان‌های حکومتی با نیروی انتظامی

از سویی فقدان منابع مالی لازم برای مبارزه با قاچاق کالا و از سوی دیگر کمبود نیروی اداری کارآمد در سایر ادارات حکومتی (به جز نیروی انتظامی) عوامل تشدیدکننده معضل قاچاق کالا هستند. نوعی یکپارچه و هماهنگ میان ارگان‌های حکومتی در جهت همکاری با نیروی انتظامی در این زمینه لازم به نظر می‌رسد.

۱۰-۲-۲- به کارگیری نیروی انسانی بعضاً ناکارآمد از سوی نیروی انتظامی

غالباً آن دسته از نیروهای انسانی که از سوی نیروی انتظامی در مناطق مرزی مشغول به فعالیت هستند شامل سربازان، درجه‌داران رده پایین و پرسنل تبعیدی هستند، به طوری که نمی‌توان از نیروهای انسانی با این کیفیت نتیجه‌ای مطلوب در زمینه مبارزه با قاچاق کالا حاصل کرد. این قبیل نیروهای انسانی ناکارآمد طبعاً آمادگی بیشتری برای همکاری و اغفال از سوی قاچاقچیان دارند.

۱۱-۲-۲- کم برخورداری از دانش لازم و آگاهی‌های کاربردی در عوامل نیروی انتظامی

مبارزه با ورود و خروج غیرقانونی کالا در کشور نیازمند نگاه تخصصی به این پدیده است و نیروی انتظامی باید برای موفقیت در این زمینه به تربیت نیروها و به روز کردن دانش تخصصی آنها (تحت عنوان کارشناس قاچاق) همت گمارد. در این صورت نوعی چرخه کارشناسی در این حوزه شکل خواهد گرفت که به مرور زمان به کمک انباشت تجارب و آگاهی‌ها، سطح عمومی برخورد با قاچاق کالا را ارتقا می‌بخشد.

۱۲-۲-۲- سطح نازل قیمت کالاهای قاچاق در مقایسه با محصولات داخلی

هنگامی که درباره وجود تقاضای عمومی بالا در بازار داخل نسبت به کالاهای قاچاق سخن به میان می‌آید باید به این موضوع توجه خاص شود که عموماً کالاهای قاچاق با قیمت واقعی خود به فروش نمی‌رسند. در حالی که تولیدات داخلی باید بسیاری از هزینه‌هایی را که تولیدکننده در جریان تولید متحمل شده است به وی بازگردانند. کالاهای قاچاق عموماً در بر دارنده هزینه‌ای نیستند و در عین داشتن کیفیت مطلوب برای مصرف‌کننده با قیمت‌های نازل به فروش می‌رسند. بنابراین مصرف‌کنندگان داخلی عموماً تمایل به کالای قاچاق دارند و این خود یکی از عوامل ضربه پذیری تولیدات داخلی است.

۱۳-۲-۲- ضعف صنعت و تولید داخلی

از جمله عوامل اساسی افزایش تقاضای مصرف‌کنندگان داخلی نسبت به کالاهای قاچاق ضعف کمی و کیفی تولیدات داخلی و سطح پایین فن آوری‌ها در زمینه‌های تولیدی است. در چنین شرایطی همواره کالای قاچاق در بازار داخلی از کیفیت و حجم فروش زیادی برخوردار خواهد بود.

۱۴-۲-۲- بیکاری جوانان در مناطق و شهرهای مرزی

نیروهای اصلی واردکننده قاچاق به‌طور عمده جوانانی هستند که در مناطق مرزی ساکن‌اند و از امکانات فرهنگی و اقتصادی اندکی برخوردارند. از این رو فقدان شاغل سالم و سازنده در مناطق مرزی مرتباً بر داوطلبان عاملیت در زمینه قاچاق می‌افزاید.

۱۵-۲-۲- سودآور بودن قاچاق کالا

قاچاق به‌طور کلی و در انواع گوناگون آن یکی از مشاغل بسیار سودآور در سراسر جهان است. به‌منزله نمونه، قاچاق مواد مخدر در میان انواع گوناگون قاچاق پولسازترین آن‌هاست. قاچاق کالا نیز به همین ترتیب سود زیادی را عاید عاملان خود می‌کند و طی مدت طولانی یک بازار و حوزه شغلی کاذب را حول خود ایجاد می‌نماید که در شرایط کمبود مشاغل سالم، به راحتی جذب نیرو می‌کند.

۱۶-۲-۲- نبود کنترل و نظارت دقیق بر توزیع کنندگان و فروشندگان کالا

گلوگاه‌های مختلف عرضه کالای قاچاق را شکل می‌دهند. علاوه بر نقاط مرزی که ورود و خروج کالاهای قاچاق از آنجا صورت می‌گیرد می‌توان سازوکار نظارت و کنترل را به درون بازارهای داخلی منتقل کرد. با وجود این در شرایط کنونی چنین نظارتی بر توزیع کنندگان کالاها صورت نمی‌گیرد و بدین جهت امکان داد و ستد کالای قاچاق به راحتی فراهم است.

۱۷-۲-۲- پایین بودن سطح امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی از مؤلفه‌های مهم در رونق بازارها و حفظ سلامت آن‌هاست. فقدان یا کاستی امنیت اقتصادی از سویی موجبات مشارکت اقتصادی و سرمایه‌گذاری بخش‌های غیردولتی را از میان می‌برد و از سوی دیگر زمینه‌ها و خلأهایی را برای رشد بازرگانی قاچاق فراهم می‌سازد. راکد بودن سرمایه‌های عمومی و مشارکت نکردن آن‌ها در فرایند تولید یکی از پیامدهای ضریب امنیت اقتصادی پایین است.

۱۸-۲-۲- ضعف قوانین و مقررات مبارزه با قاچاق

در علم حقوق، افزایش هزینه و مجازات و گستراندن شعاع فراگیرندگی مجازات‌ها در تمامی سطوح، یکی از سازوکارهای بازدارندگی مجرمان و کاهش انجام جرم به شمار می‌رود. در این زمینه نیز به نظر می‌رسد قوانین و مقررات کنونی در قبال قاچاق اولاً فراگیرندگی لازم را دارا نمی‌باشد و کماکان نقاط کور قانونی در این زمینه وجود دارد و ثانیاً برای اشکال گوناگون این فعالیت و پیچیدگی‌های خاص آن تدابیر قانونی اندیشیده نشده است.

۱۹-۲-۲- ریسک پایین قاچاق کالا

نتیجه طبیعی فقدان تدابیر قانونی و کمبود کنترل‌های انتظامی و اقتصادی لازم نسبت به پدیده قاچاق کالا آن است که مخاطرات و ریسک این گونه فعالیت‌ها کاهش می‌یابد و این به خودی خود موجب جذب نیروی انسانی بیشتری به اقتصاد زیرزمینی می‌شود و از سوی دیگر گستردگی بیشتری را به آسیب‌های ناشی از آن می‌بخشد.

۲۰-۲-۲- فساد اداری

فساد اداری امری است جامع‌تر از قاچاق کالا، اما وجود فساد اداری در کنار سایر عوامل موجب اختلال نظارتی می‌شود. اساساً نظام‌های اداری و بوروکراتیک دارای کارکرد بنیادین کنترل‌کنندگی هستند و فساد اداری، نظام بوروکراتیک را از کارایی اصلی خود باز می‌دارد. در این میان مسلماً قاچاق کالا که بخشی از سازوکارهای نظارتی آن در نظام اداری و بوروکراتیک تعریف می‌شود خواهد توانست از گذرگاه‌های نظارتی بدون آنکه با مشکل جدی مواجه شوند عبور کند.

۲۱-۲-۲- ضعف بخش خصوصی و دولتی بودن اقتصاد

دولتی بودن اقتصاد فی نفسه امکان مشارکت سرمایه‌های راکد ماند، در بخش اجتماعی را منتفی می‌سازد و بدین جهت در جریان توزیع کالاهای قاچاق در بازار، کالای قاچاق با کمترین آلترناتیو ممکن درگیر می‌شود. فقدان آلترناتیو مناسب برای کالاهای قاچاق در بازار داخلی از سویی معلول ضعف بخش خصوصی در اقتصاد است و از سوی دیگر موجب بسترهای بیمارگونه برای رشد ناسالم اقتصاد زیرزمینی می‌شود.

۲۲-۲-۲- محرومیت استان‌ها و شهرهای مرزی

در زمینه پراکندگی جغرافیایی امکانات فرهنگی و اقتصادی، به‌طور کلی مشکلی بنیادین وجود دارد. استان‌هایی نظیر سیستان و بلوچستان، کردستان و ایلام که گذرگاه‌های مهمی برای عبور کالاهای قاچاق به شمار می‌روند همواره در ذیل فهرست برخورداری از امکانات ملی قرار دارند و نیز جمعیت این استان‌ها جمعیت غیرفعال است و ارزش اقتصادی افزوده را در غیاب سرمایه‌گذاری‌های برنامه‌ریزی شده تولید نمی‌کند. بنابراین جمعیت غیرفعال این گونه استان‌ها - به ویژه در شهرها و روستاهای مرزی که در آخرین رتبه از برخورداری اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی قرار دارند - به سمت قاچاق کالا متمایل می‌شوند. در عین حال، این نکته حائز اهمیت است که سود عمده قاچاق کالا عاید مردم محروم حاشیه کشور و استان‌های مرزی نمی‌شود بلکه سود اقتصادی - چنانکه اقتصاد رسمی نیز چنین است - عمدتاً عاید واسطه‌ها و فروشندگان می‌شود.

۲-۳- آثار منفی قاچاق و پولشویی بر اقتصاد

قاچاق کالا موجب کاهش تولیدات داخلی و در نتیجه افزایش میزان بیکاری می‌شود و این امر تأثیر نامطلوبی بر تولید ناخالص داخلی می‌گذارد. قاچاق همچنین انگیزه سرمایه‌گذاری مولد اقتصادی را کاهش می‌دهد. در نتیجه سرمایه به جای اینکه در امور مولد اقتصادی به کار افتد و باعث تولید و اشتغال شود، به سوی قاچاق منحرف می‌شود و به این ترتیب بخشی از منافع در دسترس جامعه از چرخه اقتصاد مولد خارج می‌شود.

سرمایه‌گذاری در امور تولیدی کلید رونق فعالیت‌های اقتصادی، رشد تولید ناخالص داخلی، افزایش اشتغال، رشد درآمد سرانه و ... است. رواج قاچاق کالا، سرمایه‌گذاری در امور تولیدی و

اشتغال‌زا را کاهش می‌دهد. در نتیجه زمینه اشتغال افراد و نیز تولیدات ملی و داخلی کاهش یافته و باعث کاهش درآمد سرانه و به تبع آن گسترش بیش‌ازپیش فقر در جامعه می‌شود، هر چند درآمدهای کلان و بادآورده نیز از این رهگذر نصیب قاچاقچیان می‌شود. گسترش قاچاق می‌تواند بر قیمت‌های بازار داخلی اثرات نامطلوبی به جا گذارد زیرا تقاضای کل را افزایش می‌دهد و با محدودیت عرضه کالا به بازار، باعث افزایش سطح قیمت‌ها و بروز فشارهای تورمی خواهد شد و در نهایت دشواری‌هایی را به ویژه برای اقشار آسیب‌پذیر جامعه در تأمین نیازهای اساسی‌شان به وجود می‌آورد.

۲-۴- آثار منفی قاچاق بر سیاست‌های اجرایی دولت

پدیده قاچاق، آثاری منفی بر سیاست‌های اجرایی دولت دارد؛ زیرا دولت برای کمک به رشد اقتصادی و صنعتی کشور اغلب، سیاست‌های حمایت از صنایع داخلی به ویژه صنایع نوپا را اتخاذ می‌کند. کالاهای مشابه خارجی که به صورت قاچاق وارد کشور می‌شود، به علت نپرداختن حقوق گمرکی و سود بازرگانی (حقوق ورودی) قیمتی کمتر از کالاهای تولید داخلی دارند. در نتیجه رقابت برای صنایع داخلی حتی در بازارهای داخلی دشوار می‌شود و چه بسا به زیان‌دهی، ورشکستگی و در نهایت تعطیلی فعالیت واحدهای تولیدی و صنعت بیانجامد؛ این مسائل موجب بیکاری افراد مشغول به کار در این واحدهای تولیدی می‌شود و رکود فعالیت‌های صنعتی را به دنبال خواهد داشت. ایجاد رکود، جریان آتی سرمایه‌گذاری را نیز دچار اختلال می‌کند. بنابراین، ورود قاچاق، سیاست‌های اجرایی دولت را مختل می‌کند و به منزله تهدیدی برای تولیدات داخلی که توان کافی برای رقابت با تولیدات مشابه خارجی ندارند، محسوب می‌شود.

این پدیده موجب می‌شود سیاست‌های اجرایی دولت کم‌اثر و حتی در برخی موارد بی‌اثر شود و نتوانند اهداف مورد نظر خود را برآورده سازند. قاچاق کالا همچنین در بازار ارزی کشور اثرات منفی دارد؛ با این توضیح که قاچاق کالا از سویی تقاضا برای ارز را در بازار غیررسمی داخل افزایش می‌دهد و افزایش قیمت داخلی ارز، خاصیت تورم‌زایی دارد و از سوی دیگر با افزایش عرضه کالاها در داخل و جلوگیری از افزایش عرضه کالاها در داخل و جلوگیری از افزایش قیمت آن‌ها در نظام ارزی اختلال ایجاد می‌کند. قاچاق کالا چه در شکل قاچاق کالاهای وارداتی و چه در شکل قاچاق کالاهای صادراتی موجب خروج ارز از کشور می‌شود و این امر پشتوانه‌های مالی کشور را با تزلزل روبه‌رو می‌سازد.

اکثر کالاهای قاچاق وارداتی، لوکس هستند و حقوق گمرکی و سود بازرگانی آن‌ها بیش از پنجاه درصد است که با احتساب دو میلیارد دلار قاچاق سالانه کالا ۲۰۰۰ میلیارد ریال از درآمدهای بالقوه کشور در این فرایند هز می‌رود و وصول نمی‌شود. با خروج بی‌رویه ارز از کشور، بازار قاچاق ارز تقویت می‌شود و به تدریج نظام ارزی کشور را دستخوش فراز و نشیب‌های بسیار می‌سازد.

۲-۵- آثار منفی قاچاق بر سیاست‌های بازرگانی

قاچاق کالا توازن در تراز بازرگانی خارجی کشور را بر هم می‌زند. دولت با در نظر گرفتن پارامترهایی از قبیل سپرده‌های ارزی، درآمدهای ارزی سالانه و نیازهای وارداتی کشور و... با اهداف ایجاد توازن در تراز بازرگانی و پرداخت بدهی‌های خارجی، یک سری سیاست‌های تجاری اتخاذ می‌کند که بر مبنای آن، حجم و ارزش صادرات و واردات کشور معین می‌شود. صادرات و واردات غیرقانونی (قاچاق) اهداف مذکور را غیر قابل تحقق می‌نماید.

زیرا نخست واردات غیررسمی یا قاچاق به هر حال برای اقتصاد ملی هزینه ارزی در بردارد و این هزینه خارج از محاسبات دستگاه سیاست‌گذار، بر اقتصاد کشور تحمیل می‌شود. دوم صادرات غیررسمی یا قاچاق، اهداف دولت در زمینه نظارت بر ارز را با اشکال مواجه می‌سازد؛ زیرا ارزش کالاهای قاچاق صادراتی و وارداتی در حساب‌های ملی و موازنه بازرگانی خارجی کشور، منظور نشده و در نتیجه اطلاعات مربوط به موازنه تجارت کشور با سایر کشورها را مخدوش می‌کند. بنابراین، از یک سو قاچاق کالا باعث افزایش بیش از حد هزینه واردات مورد نظر دولت‌مردان می‌شود و در توازن ارزی به‌طور غیرمستقیم تأثیر منفی دارد و از سوی دیگر، به دلیل مصرفی و غیرضروری بودن اغلب کالاهای قاچاق وارداتی، تولید ناخالص داخلی را نیز در بازار داخلی با رقابت فشرده‌تری مواجه می‌کند، در نتیجه قاچاق کالا، سیاست‌های بازرگانی را هدف قرار داده و بر این سیاست‌ها خدشه وارد می‌سازد و موجب می‌شود توازن تجاری مورد نظر برای بازرگانی خارجی در حد و اندازه مورد انتظار دولت، تحقق نیابد.

۲-۶- آثار منفی قاچاق کالا بر سلامت جامعه و مصرف‌کنندگان

شیوع پدیده قاچاق افزون بر ضربه وارد کردن به تولیدات داخلی، حقوق مصرف‌کنندگان را نیز ضایع می‌کند. با بررسی کالاهای قاچاق وارداتی موجود در بازار ایران معلوم می‌شود که بسیاری از این کالاها فاقد ضمانت و نیز فاقد خدمات پس از فروش (نظیر تعمیرات و تأمین لوازم و قطعات یدکی) در کشور هستند. در حقیقت بر اثر بی‌توجهی یا ناآگاهی نسبت به این مسائل، مصرف‌کنندگان این اجناس را که به نوعی حالت یک‌بار مصرف دارند خریداری می‌کنند. یعنی این کالاها بعد از به وجود آمدن اشکال مختصری در آنها، از گردونه مصرف خارج می‌شوند. اگر مراکزی نیز اقدام به تعمیر این‌گونه کالاها کنند، هزینه‌های زیادی را برای این کار خود طلب می‌نمایند. در نتیجه چه‌بسا مصرف‌کنندگان ایرانی با خرید این کالاها زیان نیز می‌کنند که سرانجام این مسئله به اقتصاد کشور لطمه وارد می‌کند.

مشکل دیگر واردات قاچاق کالا به کشور، نبود امکان کنترل استانداردها و اعمال کنترل‌های بهداشتی است. کالاهای قاچاق وارد شده به کشور به دلیل نبود کنترل روی آنها از نظر ضوابط

استاندارد ملی و بهداشتی، برای حفاظت از جامعه در مقابل ورود کالاهای زیان‌آور، خطرناک، پرتوزا و... موجب وارد شدن زیان‌های فراوانی به بهداشت و سلامت جامعه می‌شوند و مردم را در مقابل مصرف این گونه کالاها آسیب‌پذیر می‌سازند.

۲-۷- اثرات پولشویی بر اقتصاد

باتوجه به تنوع فعالیت‌های غیرقانونی و بزهکارانه و حجم وسیع پول‌های کثیف و غیرقانونی حاصل از آن و تطهیر این پول‌ها و همچنین ادغام آن در اقتصاد کشورها، این مواد مربوط به افتتاح حساب، احراز هویت مشتریان، اطلاعات مربوط به نقل و انتقالات مالی در سطح داخلی و بین‌المللی، توجه به نقل و انتقالات غیرمعمول در حجم بالا با استفاده از روش‌های پیچیده، حمایت از مدیران و کارکنان مؤسسات مالی در مقابل تهدیدهای مجرمان، آموزش مؤسسات مالی در زمینه ارائه گزارش موارد مشکوک و... است.

حجم گسترده‌ای از پول‌های در جریان کل دنیا را پول‌های کثیف تشکیل می‌دهد. از این رو، امروزه ابعاد وجود مافیا در کل فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی، وسعت زیادی پیدا کرده و اقتصاد کشورها را تحت تأثیر قرار داده است.

مطابق با قانون مبارزه با پولشویی (۱۳۸۶) پولشویی به معنای:

الف- تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی با علم به اینکه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه ارتکاب جرم به دست آمده باشد.

ب- تبدیل، مبادله یا انتقال عوایدی برای پنهان کردن منشأ غیرقانونی آن با علم به اینکه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از ارتکاب جرم باشد یا کمک به مرتکب به نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نشود.

ج- اخفا یا پنهان کردن ماهیت واقعی، منشأ، منبع، محل، نقل و انتقال، جابه‌جایی یا مالکیت عوایدی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده باشد.

عمل پولشویی بر اقتصاد کلان کشورها، از جمله بر تقاضای پول، نوسانات نرخ بهره و بی‌ثباتی نرخ ارز، تأثیر زیادی می‌گذارد. از آنجا که رشد پولشویی در آمارهای رسمی اقتصادی ثبت نمی‌شود و در تولید ناخالص داخلی تولید ناخالص ملی در نظر گرفته نمی‌شود، سیاست‌های اقتصادی کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و فقدان آمارهای صحیح، موجب تغییر سیاست‌های پولی و مالی دولت‌ها می‌شود.

۲-۸- خصوصی‌سازی

خصوصی‌سازی به مجموعه‌ای از اقدامات گفته می‌شود که در قالب آن، در سطوح و زمینه‌های گوناگون، کنترل یا مالکیت و مدیریت از دست بخش دولتی خارج و به دست بخش خصوصی سپرده می‌شود. به این ترتیب در نهایت دامنه نفوذ مستقیم دولت بر فعالیت‌های اقتصادی محدود

می‌شود و تمرکز فعالیت‌ها در بخش خصوصی افزایش می‌یابد. خصوصی‌سازی با فراهم کردن فضای رقابت، واحدهای خصوصی را وارد می‌کند عملکرد کاراتری نسبت به بخش عمومی داشته باشند. تدابیر در مورد خصوصی‌سازی به عواملی مانند متوسط درآمد سرانه و الگوی توزیع درآمد در کشور، وضعیت توسعه صنعتی، ماهیت و کارایی بخش خصوصی در اقتصاد، وضعیت کسری بودجه داخلی و بدهی‌های خارجی، اندازه بازار داخلی و شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور بستگی دارد. عوامل مهمی که روند گرایش به سوی نظام بازار و خصوصی‌سازی را در برخی کشورها تقویت نموده است، عبارت‌اند از: عملکرد ضعیف شرکت‌های وابسته به دولت در کشورهای مختلف جهان، تحولات اروپای شرقی و شکست الگوهای برنامه‌ریزی متمرکز دولتی در کشورهای سوسیالیستی و چرخش آن‌ها به سوی سازوکار بازار آزاد و تغییر استراتژی‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول؛ تاحدی که امروزه واگذاری واحدها و مؤسسات اقتصادی دولتی به بخش خصوصی به منزله نظر اصلی کارشناسان بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است. تاحدی که اعطای امتیازات و تسهیلات مالی خود را به بسیاری از کشورهای منوط به اجرای سیاست آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی نموده‌اند.

به‌طور کلی مهم‌ترین هدف از خصوصی‌سازی در بیشتر کشورها، افزایش کارایی بنگاه‌ها و بهینه‌سازی تخصیص منابع است. نکته اساسی درباره افزایش کارایی (به ویژه کارایی تخصیصی)، از طریق خصوصی‌سازی این است که صرف انتقال مالکیت نمی‌تواند سطح کارایی را افزایش دهد، بلکه عنصر رقابت نیز نقش بسزایی در این فرایند دارد. در واقع رقابت نیروی محرک، افزایش کارایی است و در صورت فقدان نهاد رقابت، با خصوصی‌سازی صرفاً فقط انحصارهای دولتی تبدیل به انحصارهای خصوصی می‌شود که این امر عواقب نگران‌کننده‌ای برای یک کشور دارد (بهکیش، ۱۳۷۸).

بیشتر کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در مسیر دستیابی به ترکیب مطلوب دولت و بازار در اقتصاد، خصوصی‌سازی و کاهش حجم فعالیت‌های دولت در اقتصاد را از دهه ۱۹۸۰ میلادی آغاز نموده‌اند و برای آن‌ها اثبات شده که تکیه صرف به‌کی از نظام‌های افراطی متمرکز یا کاملاً آزاد به دلیل نقایص درون هر یک از این نظام‌ها مطلوب نیست. در این مسیر، شاخص کارایی به منزله شاخص عملکرد مطلوب در نظر گرفته می‌شود. در اقتصاد ایران برنامه خصوصی‌سازی به‌طور رسمی از سال ۱۳۶۸ آغاز گردید و هدف از اجرای آن بهبود شرایط رقابت و افزایش کارایی، کاهش هزینه‌های دولتی و افزایش نقش بخش خصوصی در اقتصاد بود (رزاقی، ۱۳۷۶).

پس از گذشت چندین سال از اجرای خصوصی‌سازی در کشور، شاخص‌های مختلفی مانند سهم بودجه شرکت‌ها و مؤسسات دولتی از کل بودجه کشور و همچنین رشد شتابان سرمایه‌گذاری‌های دولت (شرکت‌ها و مؤسسات دولتی) در عرصه‌های اقتصادی، حاکی از آن است که دولت نتوانسته است هزینه‌های خود را کاهش دهد. علاوه بر این، شواهد حاکی از آن است که خصوصی‌سازی در ایران اغلب با هدف کسب درآمد و تأمین منابع بودجه‌ای صورت پذیرفته است و گویا هدف دولت

فقط واگذاری، آن هم بعضاً به سایر مؤسسات وابسته به دولت است زیرا هیچ گونه معیاری برای ارزیابی عملکرد شرکت‌های دولتی پس از واگذاری آن‌ها به بخش غیردولتی وجود نداشته است؛ درحالی که تجربه کشورهای موفق در این زمینه نشان‌دهنده آن است که حتی پس از واگذاری یک مؤسسه دولتی به بخش غیردولتی بر عملیات آن نظارت می‌شود تا از چارچوب رقابتی خارج نشود و معیارهای عملکرد آن نیز مدام تصحیح می‌شود (درخشان، ۱۳۸۳).

۳- معرفی متغیرهای تابع

در این مقاله متغیرهایی همچون تولید ناخالص ملی یا داخلی، هزینه‌های نظم و امنیت دولتی، متغیرهای مجازی مبارزه با فساد، تک‌نرخی شدن ارز و سیاست خصوصی سازی دولت بررسی خواهند شد.

لگاریتم طبیعی تولید ناخالص داخلی LGDP

لگاریتم طبیعی هزینه‌های نظم و امنیت توسط دولت LSEC

دامی مربوط به مبارزه با فساد توسط دولت D1

دامی مربوط به تک‌نرخی شدن ارز توسط دولت D2

دامی مربوط به پیاده‌سازی اصل ۴۴ قانون اساسی (خصوصی‌سازی) توسط دولت D3

۳-۱- برآورد الگو

نتایج حاصل از برآورد مدل در کوتاه‌مدت در جدول ارائه شده است:

جدول ۱- جدول تخمین تابع در کوتاه‌مدت

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آزمون t	احتمال آزمون t
LSEC	۰/۴۳	۰/۱۳	۳/۲۱	۰/۰۰۳
C	۰/۲۱	۰/۰۷۲	۳/۰۲	۰/۰۰۴
D1	۰/۰۳۷	۰/۵۶	۳/۵۶	۰/۰۰۲
D2	۰/۰۳۹	۲/۹	۳/۲۹	۰/۰۰۳
D3	۰/۰۴۷	۰/۰۳۴	۲/۰۵	۰/۰۴

باتوجه به نتایج به دست آمده از برآورد یک‌درصد افزایش در هزینه‌های نظم و امنیت توسط دولت، تولید ناخالص داخلی را به اندازه ۰/۴۳ درصد افزایش می‌دهد. ضریب دامی مربوط به مبارزه با فساد توسط دولت برابر با ۰/۰۳۷، ضریب دامی مربوط به تک‌نرخی شدن ارز توسط دولت ۰/۰۳۹، ضریب دامی مربوط به پیاده‌سازی اصل ۴۴ قانون اساسی (خصوصی‌سازی) توسط دولت ۰/۰۳۷ به دست آمده که تأییدی بر دیدگاه‌های اقتصادی در زمینه ارتباط بین تولید و متغیرهای توضیحی است.

جدول ۲- جدول آزمون‌ها و آماره‌های تشخیصی

Serial Correlation	Functional Form	Normality	Heteroscedasticity
۰/۵۱	۰/۰۵	۰/۲۹	۰/۴۷

باتوجه به آماره‌های تشخیصی (Diagnostic Tests) می‌توان نتیجه گرفت که مدل از نظر

فروض کلاسیک و آماره شکست ساختاری دارای بهترین حالت است و با مشکلی روبه رو نیست. با توجه به الگوی تصحیح خطا که برای تبیین رفتار کوتاه مدت تابع می باشد و ضریب تصحیح خطا که سرعت تعدیل به سمت تعادل بلند مدت را نشان می دهد نتایج زیر حاصل شده است:

جدول ۳- جدول آزمون تصحیح خطا

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آزمون t	احتمال آزمون t
ECM	-۰/۰۹	۰/۰۳۷	-۲/۵۱	۰/۰۱۶

ضریب جمله تصحیح خطا برابر ۰/۰۹- برآورد شده است که نشان می دهد در هر سال در حدود ۹ درصد از عدم تعادل یک دوره در تورم دوره بعد تعدیل می شود. بنابراین، تعدیل به سمت تعادل نسبتاً با سرعت کم صورت می گیرد.

جدول ۴- جدول تخمین تابع در بلندمدت

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آزمون t	احتمال آزمون t
LSEC	-۰/۱۲	۰/۱۴	۱/۹۰	۰/۰۴
C	۲/۲۴	۰/۲۸	۷/۷۶	۰/۰۰
D1	-۰/۳۸	۰/۳۲	۱/۹۶	۰/۰۴۵
D2	۰/۰۹۲	۰/۲۴	۲/۳۸	۰/۰۳
D3	۰/۴۸	۰/۲۰	۲/۴۳	۰/۰۲

یکی از نشانه‌های فساد، قاچاق است که هر ساله میلیاردها تومان به اقتصاد کشورها ضرر می‌رساند. در این مقاله اثرات مثبت مبارزه با فساد بر سیاست‌های اجرایی دولت، بررسی شده و رابطه مثبت بین تولید و مبارزه با فساد تأیید می‌شود. همچنین تک‌نرخی شدن ارز سبب کاهش پولشویی و افزایش معینی در نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی شده است. از طرفی خصوصی سازی در بیشتر کشورها، افزایش کارایی بنگاه‌ها و بهینه‌سازی تخصیص منابع را به دنبال دارد و نکته اساسی درباره افزایش کارایی (به ویژه کارایی تخصیصی)، از طریق خصوصی سازی این است که تولید در کشور افزایش می‌یابد. از طرفی افزایش هزینه‌های نظم و امنیت سبب جلوگیری از آثار زیان‌باری بر اقتصاد کلان و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت دارد. به طور کلی، افزایش مبارزه با فساد موجب حذف بی‌اعتمادی به بازار و میزان سودآوری آن به علت استفاده وسیع از پارتی‌بازی‌ها، اختلاس و کلاهبرداری و افزایش تمایل به فرار مالیاتی می‌شود. تمامی این مسائل، موجب بروز ناهماهنگی در اقتصاد کشورها می‌شود. افزایش درآمدهای مالیاتی، کاهش خط فقر، افزایش سطح تولیدات داخلی و اشتغال می‌شود.

۴- نتیجه گیری

در این مقاله اثرات مثبت مبارزه با فساد بر سیاست‌های اجرایی دولت، بررسی شده و رابطه مثبت بین تولید و مبارزه با فساد تأیید می‌شود. همچنین تک‌نرخ شدن ارز سبب کاهش پولشویی و افزایش معینی در نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی شده است. خصوصی‌سازی در بیشتر کشورها، افزایش کارایی کارایی بنگاه‌ها و بهینه‌سازی تخصیص منابع را به دنبال دارد و نکته اساسی درباره افزایش کارایی (به ویژه کارایی تخصیصی)، از طریق خصوصی‌سازی این است که تولید در کشور افزایش می‌یابد. همچنین افزایش هزینه‌های نظم و امنیت سبب جلوگیری از آثار زیانباری بر اقتصاد کلان و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت می‌شود. به‌طور کلی، افزایش مبارزه با فساد موجب حذف بی‌اعتمادی به بازار و میزان سودآوری آن به علت استفاده وسیع از پارتی‌بازی‌ها، اختلاس و کلاهبرداری و افزایش تمایل به فرار مالیاتی می‌شود. تمامی این مسائل، موجب بروز ناهماهنگی در اقتصاد کشورها می‌شود. افزایش درآمدهای مالیاتی، کاهش خط فقر، افزایش سطح تولیدات داخلی و اشتغال می‌شود.

یکی از مسائل مهم هر کشور، اقتصاد آن است. به دنبال اقتصاد ناسالم باید فقر عده بی‌شماری از افراد اجتماع و انباشته شدن ثروت نزد عده‌ای اندک را انتظار داشت که زمینه‌ای برای ایجاد ناامنی‌های بسیار در جامعه است. ضرایب و تخمین‌ها حاکی از آن است که رابطه موجود بین تولید ناخالص داخلی به‌منزله متغیر وابسته و خصوصی‌سازی، مبارزه با فساد، تک‌نرخ شدن ارز و افزایش هزینه‌های امنیتی دولت سبب ایجاد فعالیت اقتصادی سالم و ایجاد اشتغال برای جوانان و سرمایه‌گذاری مطمئن می‌شود. این مهم به فضایی نیازمند است که در آن، سرمایه‌گذار و صنعتگر و عنصر فعال در کشاورزی و مبتکر علمی و جوینده کار و همه قشرها، از صحت و سلامت ارتباط حکومتی و امانت و صداقت متصدیان امور مالی و اقتصادی مطمئن باشند و احساس امنیت و آرامش کنند. اگر دست مفسدان و سوءاستفاده‌کنندگان از امکانات حکومتی قطع نشود و همچنین اگر امتیازطلبان و زیاده‌خواهان پرمدا و انحصارجو طرد نشوند، سرمایه‌گذار و تولیدکننده و اشتغال‌طلب، همه احساس ناامنی و نومیدی خواهند کرد و کسانی از آنان به استفاده از راه‌های نامشروع و غیرقانونی تشویق خواهند شد.

بعضی بر این اعتقادند که مبارزه با مفسدان و سوءاستفاده‌کنندگان از ثروت‌های ملی، موجب ناامنی اقتصادی و فرار سرمایه‌ها خواهد شد. به این اشخاص تفهیم کنید که به عکس، این مبارزه موجب امنیت فضای اقتصادی و اطمینان کسانی است که می‌خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند. تولیدکنندگان این کشور، خود نخستین قربانیان فساد مالی و اقتصاد ناسالم‌اند. با این امر مهم و حیاتی نباید به گونه شعاری و تبلیغاتی و تظاهرگونه رفتار شود. به دست‌اندرکاران این مهم تأکید می‌شود به جای پرداختن به ریشه‌ها و ام‌الفسادها به سراغ ضعف‌ها و خطاهای کوچک نروند و نقاط اصلی را رها نکنند. هرگونه اطلاع‌رسانی به افکار عمومی که البته در جای خود لازم است، باید به دور از اظهارات نسنجیده و تبلیغات گونه‌باشد و حفظ آرامش و اطمینان افکار عمومی را در نظر داشته باشد.

در نتیجه گیری بحث قاچاق باید گفت پدیده قاچاق تولید، واردات، صادرات، توزیع داخلی و در یک کلام اقتصاد کشور را در ابعاد مختلف تحت تأثیر قرار می‌دهد. برخورد با قاچاقی برخورد با معلول است نه علت. علت قاچاق عوامل و انگیزه‌های دیگری است. اگر کیفیت کالای ایرانی متناسب با کالای خارجی نباشد، اگر تولیدات داخلی توان رقابت با قیمت‌های جهانی را نداشته باشند، اگر به جای حمایت علمی و منطقی از صنایع و تولیدات داخلی دیوارهای بلند تعرفه‌ای و غیرفنی در برابر واردات قانونی ایجاد شود، اگر شبکه بانکی کشور به جای حمایت از تولید و تجارت نرخ تسهیلات بانکی اعطایی به این بخش را حدود ۱۸ تا ۲۵ درصد دریافت نماید و در نهایت اگر سرمایه‌گذار و کارآفرین در برابر سرمایه‌گذاری معنوی و مادی خویش احساس امنیت خاطر اقتصادی و اجتماعی نکنند دیگران برای سرمایه‌های انسانی و مادی آغوش می‌گسترانند و در این شرایط نباید از دست پیامدهای قاچاق کالا در ابعاد صادرات و واردات ناله سرد داد.

به نظر می‌رسد تازمانی که کالای قاچاق ارزان‌تر از تولید داخلی تمام شود، تولیدات داخلی نمی‌توانند کیفیت کالای خود را بالا ببرند و جهت رقابت و حضور در بازارهای جهانی گام بردارند. بنابراین برای مبارزه با قاچاق اجرای موانع تعرفه‌ای نه فقط کافی نیست بلکه ارتقای کیفیت، رعایت استانداردهای بین‌المللی، اجرای سفت و سخت قوانین حمایت از تولیدکنندگان و ... لازم است.

همچنین در نتیجه بحث پولشویی به این خواهیم رسید که عملیات پولشویی در سطح وسیع، اثرات نامطلوب و زیان‌باری بر اقتصاد کشورها و جامعه جهانی بر جای می‌گذارد. از آن جمله می‌توان به مواردی به شرح زیر اشاره کرد: گسترش فعالیت‌های مجرمانه زیرزمینی در جامعه، اثرات منفی بر جمع‌آوری مالیات و تشویق فرار مالیاتی در جامعه، اختلال در بازارهای مالی، افزایش نرخ تورم، افزایش انحرافات اجتماعی، فاسد شدن ساختار حکومت و آسیب‌رسانی به اعتبار دولت‌ها و نهادهای اقتصادی کشور رقابت‌پذیری ناسالم اقتصادی که موجب تضعیف بخش خصوصی قانونی می‌شود، کاهش اشتغال مولد، افزایش سرمایه از کشور جهت تطهیر، اختلاس و بی‌ثباتی در اقتصاد کشور، گسترش فساد اداری ناشی از پولشویی، رشوه‌خواری و اختلاس از طریق آلوده نمودن معاملات حقوقی است.

منابع

- ابریشمی، حمید (۱۳۸۷). «مبانی اقتصاد سنجی»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- پیش‌نویس پیشنهادی قانون مبارزه با پولشویی. (۱۳۸۱)، مواد ۲ و ۳، مذکور در مجله مجلس و پژوهش، شماره ۳۷، ص ۳۷۰.
- درخشان مسعود (۱۳۸۳)، «نگاهی به مسائل اقتصاد ایران و راهکارهای آن»، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۶۶.
- پاکدامن، رضا (۱۳۷۴). «جنبه‌های کاربردی خصوصی‌سازی به انضمام قوانین و مقررات ایران»، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجلد، ۱۳۷۴.

- درگاهی، حسن (۱۳۸۲). «تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی ایران»، پژوهش‌های بازرگانی، شماره ۲۶، بهار ۱۳۸۲.
- عرب مازار یزدی، علی (۱۳۸۰). «اقتصاد سیاه در ایران، یک رویکرد کلان اقتصادی»، پایان‌نامه دکتری دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۰.
- مشایخ، نصیر (۱۳۸۲). «پولشویی و جایگاه آن در حقوق ایران»، هفته‌نامه اخبار اقتصاد و دارایی، شماره ۵۳، ص. ۲۳-۸.
- نیکپور دیلمی، حسام (۱۳۸۱). «تخمین حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران و بررسی رابطه آن با برخی متغیرهای کلان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
- هفته‌نامه اخبار اقتصاد و دارایی (۱۳۸۲)، «بخش غیررسمی اقتصاد کشور برای دولت مشکل ایجاد می‌کند»، سال چهارم، شماره پنجاه.
- یاوری، کاظم (۱۳۷۸)، «تخمین قاچاق و گران‌نمایی واردات با استفاده از اختلافات آماری در ایران»، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- قانون مبارزه با پولشویی، ۱۳۸۶، مجلس شورای اسلامی.